

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با قاریان قرآن - 22 / شهریور / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً باید به این خوانندگان عزیز و تلاوتگران بگوییم: طیب الله انفسکم؛ ان شاء الله.

امروز از این تلاوتها و این نغمه های شیرین و دلنشین قرآنی که بحمدالله جوانان ما روزبه روز بهتر و جذاب تر و شیرین تر در آن پیش میروند، لذت بردیم؛ هم این دو نوجوانی که تلاوت کردند، هم گروههای دسته جمع که همخوانی کردند، خیلی خوب بودند؛ و هم قراء عزیزمان که انسان هر سالی که میشوند این تلاوتها را، خوب احساس میکند که کاروان تلاوت قرآن و آهنگهای قرآنی از آنچه که در گذشته بوده، جلوتر آمده، و اگر مقایسه کنیم با دورانهای قبل - پیش از انقلاب - از صفر بلکه زیر صفر، بحمدالله به درجات عالی دست پیدا کرده؛ خیلی مایه ی خوشوقتی ماست.

دو سه اشکال در اینجا وجود دارد که اینها را عرض کنیم: يك اشکال این است که ما خیال کنیم تلاوت قرآن و انس با قرآن و رواج قرآن یعنی فقط همین. این، يك اشکال بزرگی است که مبدا ما دچار این بدفهمی و کج فهمی بشویم. بنده به این تلاوتها خیلی اعتقاد دارم. قبلها در بعضی از همین جلسات، علت این اعتقاد را هم عرض کردیم که دیگر تکرار نمیخواهم بکنم. و خوانندگان خوبمان و تلاوتگران مسلط و استاد و وارد را حقیقتاً ارجمند میدانم، لیکن همه ی اینها مقدمه است؛ مقدمه برای حاکمیت فضای فرهنگی قرآن در ذهن جامعه ی ما. یعنی شما جوان مسلمان، مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبر کنید و از آن بیاموزید. مرحله ی بعدش هم عمل است؛ اما من مرحله ی قبل از عمل را عرض میکنم: آموختن قرآن، فهم معارف قرآن، تدبر در آیات قرآن و کلمات قرآنی.

این کلماتی که شما ملاحظه میکنید، همان چیزهائی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره ی معنوی وحی الهی به بشریت عطا کرده است. همینهاست که باید بشر را تا ابدالآباد، تا انتهای این عالم، به راههای سعادت و فلاح و رستگاری هدایت کند؛ پر از معارف است اینها؛ اینها را باید فهمید.

متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملتهای غیر عرب است. کسانی که زبانشان عربی است، همینطور که قاری تلاوت میکند، اینها که نشسته اند، ولو نه به صورت کامل، آن را میفهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمیفهمد. بلاتشبییه مثل گلستان سعدی که انسان آن را مثلاً در جمعی بخواند. خوب، گلستان سعدی فارسی بلیغ است، مردم هم میفهمند؛ اما دقائق و جزئیاتش را فقط ادبا، اهل ذوق و اهل درک بالا میفهمند. حالا این را هزاران برابر بکنید. قرآن اینجوری است. دقائق و لطائف و جزئیات را ممکن است مستمع عرب زبان معمولی نفهمد، اما بالاخره مفهوم این کلمات را میفهمد؛ لذا دلش رقیق میشود؛ لذا در شنیدن تلاوت قرآن اشک میریزد؛ چون موعظه ی الهی را درک میکنند. این حجابی است که ما داریم و قابل حل هم هست. نبادا کسی خیال کند حالا چه کار کنیم، نمیشود؛ نخیر، این کاملاً قابل حل است. بسیاری از کلمات و لغات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما میفهمیم. بنده قدیمها در مشهد، جلسه ی قرآن داشتیم، همینطور می نشستیم، بنده گاهی صحبت میکردم برای آن جوانهای آن روز - آنها البته پیرمردهای امروزند - و به آنها همین را میگفتم؛ مثال میزدیم که مثلاً فرض بفرمائید: «و لنبلو تکم بشی ء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصّابرين». این آیه ی شریفه را اگر نگاه کنید، از لغات

این آیه، آنچه که يك فارسی زبان نفهمد، فقط دو سه تاست، والا بقیه ی لغات را میفهمد. حالا مثلاً «لنبلوئکم» را باید برایش معنا کنند، اما «شیء» را میدانند یعنی چه. خود شما شیء، اشیاء را به کار میبرید. «خوف» را میدانید چیست، «جوع» را میدانید چیست، «نقص» را میدانید چیست، «اموال» را میدانید چیست، «انفس» را میدانید چیست، «ثمرات» را میدانید چیست. اینها چیزهائی نیست که يك فارسی زبان اینها را نفهمد. بنابراین، فهمیدن آیات قرآن، فهم حرفهای رابط و ترکیب کلمات و انس با قرآن و مراجعه ی به ترجمه ها دشوار نیست.

خوشبختانه امروز ترجمه ی خوب هم زیاد است. آن روزهائی که ما عرض میکنیم، حتی يك ترجمه ی خوب از قرآن وجود نداشت که بشود مردم استفاده کنند و از لحاظ معنا خاطرجمع باشند. امروز الحمدلله انسان ترجمه های خوب را می بیند که متعدد وجود دارد. به این ترجمه ها مراجعه کنید؛ مردم مراجعه کنند، آن وقت میفهمند. پس این يك اشکال است که بایستی این اشکال برطرف بشود؛ یعنی معنای آیات را بفهمند.

اشکال دوم این است که وقتی قاری و تلاوتگر ما تلاوت میکند و این لحنهای زیبا و آهنگهای خوب را فرا میگیرد و میخواند، تصور بکنند که کار او فقط همین تلفیق آهنگها و بیان این الفاظ با صدای خوش و با آهنگ خوش است. این هم یکی از اشکالات است که اگر پیش بیاید، ضرر دارد. قاری ما وقتی قرآن را تلاوت میکند، باید آنچنان تلاوت کند که گوئی قرآن را دارد نازل میکند به قلب مخاطب؛ اینجوری باید قرآن را بخوانید. البته این قراء معروف مصری، همه شان هم اینجور نیستند؛ بعضی هایشان اینجورند؛ بعضی هایشان هم نه؛ اما شما به آنها کاری نداشته باشید. شما باید قرآن را جوری تلاوت کنید که این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه ی قرآن، گوئی دارد نازل میشود بر قلب مخاطب؛ آهنگها را با مضامین جفت کردن، منطبق کردن و از آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگها و این نغمه های قرآنی، مهمترین هنرش این است که بتواند کمک کند به اینکه آن مضمون برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشینند. پس قرائت کننده ی ما هم بایست این نکات را توجه کند.

ما البته در باره ی موسیقی قرآنی، آهنگها و نغمه های قرآنی، لحنهای قرآنی، توقفها و قطع و وصلهای در تلاوت، خیلی صحبت کرده ایم، حالا الحمدلله می بینم که در ذهنها و در بیانهای اهل قرآن این چیزها زیاد تکرار میشود. یا توجه به ترجمه که می بینم الحمدلله خیلی از این تلاوت کننده ها به ترجمه ها توجه میکنند و نکات را مورد نظر قرار میدهند، که دیگر آنها را تکرار نمیخواهیم بکنیم؛ لیکن این نکته خیلی مهم است که تلاوت کننده ی قرآن قصدش اثرگذاری این کلام در ذهن مخاطب باشد؛ یعنی شما بخواهید دل ما را تکان بدهید. هدف این نباشد که ما خواننده را تحسین کنیم، بلکه هدف باید این باشد که خواننده دل ما را از جا بکند با این تلاوت؛ بخصوص با این آیات که امروز من از اول که نگاه میکردم، دیدم اغلب آیاتی که دوستان خواندند - حالا شاید هم تصادفاً - آیات توحیدی بود. این آیات را اگر همینطور که من گفتم بخوانید، شنونده دلش از جا کنده میشود. این تلاوت شما به قدر يك کتاب استدلال توحیدی اثر میگذارد. اثر تلاوت خوب این است.

اشکال سوم این است که ما در ماه مبارك رمضان که ماه تلاوت قرآن و ماه نزول قرآن و ماه جلسات است و ما هم که این جلسه را داریم و جلسات فراوانی هم در مساجد و محافل گوناگون است، ماه رمضان که تمام شد، قرآن را ببندیم و ببوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مأنوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه ی قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره ی حمد را میخوانم و این چند آیه ی سوره ی حمد با چند آیه ی سوره ی قل هوالله - يك رکعت - میشود همان ده آیه ای که فلانی میگوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز میخوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید. قرآن را برای تدبر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانید. يك نوع قرآن خواندن این است که

انسان ظاهر قرآن را بگیرد بخواند تا آخر. این نوع، نمیخواهیم بگوئیم هیچ اثری ندارد. البته بنده سابقها میگفتم هیچ اثر ندارد، بعد تجدید نظر کردم. نمیشود گفت هیچ اثر ندارد، ولی اثرش در قبال آن اثری که متوقع از تلاوت قرآن است، شبیه هیچ است؛ نزدیک هیچ است.

يك تلاوت، تلاوت کسانی است که آیه را میخوانند، لیکن - این مال امثال ماهاست - میخوانند برای اینکه يك نکته ای پیدا کنند برای گفتن در فلان منبر، در فلان سخنرانی، در فلان محفل، در فلان مجلس. این، عیبی ندارد؛ اما این نوع هم آن نیست که ما موظفیم انجام بدهیم.

يك تلاوت این است که انسان مثل يك مستمعی بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف میزند. مثل اینکه از يك عزیزی، از يك بزرگی، نامه ای به شما رسیده باشد. شما نامه را میگیرید میخوانید. برای چه میخوانید؟ برای اینکه ببینید چه برای شما نوشته. قرآن را اینجوری بخوانید. این نامه ی خدای متعال است. امین ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که میخوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ ولو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، وسط جزء، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تأمل و تدبر کنید. قرآن را اینگونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مأنوس بشود، از قرآن دل نمیکند. اگر ما با قرآن مأنوس بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمیکنیم.

نکته ی آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را عرض کرده ایم، حفظ قرآن است. حفظ قرآن يك نعمت بزرگ است. این جوانها و نوجوانها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستی که میتوانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند. ما هم میتوانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم میشود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما میرود. اینطور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما - یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد - میشود حفظ کرد. من شنیدم مرحوم آیت الله خوئی در همین سالهای آخر عمر قرآن را حفظ کرده بود. خیلی مهم است؛ پیرمرد مثلاً هشتاد ساله قرآن را حفظ کند! میشود حفظ کرد، اما ماندگار نیست؛ از ذهن زائل میشود. اگر شما در دوره ی جوانی و بخصوص در دوره ی نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از اینها، قرآن را حفظ کنید، این يك سرمایه و ذخیره ای برای شماست. و امکان تدبر در قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست. گاهی انسان يك آیه ای را در قرآن نگاه میکند، مثل اینکه هرگز این آیه را تلاوت نکرده؛ اما کسی که حافظ هست، چنین چیزی برایش پیش نمی آید. امیدواریم خداوند متعال آنچه را که گفتیم و شنیدیم، ان شاء الله در دلهایمان نافذ کند.

پروردگارا! ما را با قرآن زنده بدار و با قرآن بمیران. پروردگارا! ما را با قرآن محشور کن؛ ما را از معارف قرآنی و معرفت بلند موجود در قرآن بهره مند بفرما. پروردگارا! دلهای ما را به قرآن زنده کن؛ به قرآن نورانی کن. پروردگارا! ما را حافظان به معنای واقعی کلمه نسبت به قرآن قرار بده؛ جامعه ی ما را جامعه ی قرآنی کن. پروردگارا! این تلاوت کنندگان قرآن و علاقه مندان به قرآن و اساتید قرآن را - که بحمد الله در جلسه ی ما هم هستند - مشمول لطف و رحمت و قدردانی و شکر خودت قرار بده. پروردگارا! روزه روز بر وسعت دائره ی نفوذ قرآن - که این اساتید عزیز ما برای آن تلاش کردند - بیفز؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی کن. قلب امام عزیزمان، روح مطهر امام عزیزمان و ارواح طیبه ی شهدا را که در راه قرآن مبارزه کردند، از ما راضی و خشنود بفرما.

رحم الله من قرأ الفاتحه مع الصلوات.